ای خدا تو شاهدی و گواهی که در دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه برضایت موفق گردم و بعبودیتت مؤید شوم بخدمتت پردازم و در کرم عظیمت بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر بکوه و صحرا نهم و فریاد بظهور ملکوتت نمایم و ندایت را بجمیع گوشها برسانم ای خدا این بی‌چاره را چاره ئی بخش و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن با قلبی سوزان و چشمی گریان بدرگاهت مناجات مینمایم ای خدا در سبیلت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه ئی را بجان و دل آرزو نمایم ای خدا از امتحان محافظه نما تو میدانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام جز ذکر تو شغلی ندارم و جز خدمتت آرزوئی نخواهم